

چرا پیامبر (ص) خود را «ابن‌الذبیحین» می‌خواندند

۲۰ اسفند ۱۳۹۴ ساعت ۲۲:۰۳

زمانی که عبدالمطلب احساس کرد به چاه زمزم نزدیک می‌شود، نذر کرد اگر خداوند به وی ۱۰ پسر عنایت کند، یکی از آن‌ها را در راه خدا و در کنار خانه کعبه قربانی کند، خدای متعال هم حاجت عبدالمطلب را برآورده ساخت.

بنا به روایتی ۷ جمادی‌الاول سالروز وفات جد بزرگوار پیامبر اکرم (ص)، حضرت عبدالمطلب است، ایشان بعد از وفات مادر پیغمبر (ص) سرپرستی و کفالت نوه‌اش محمد بن عبدالله (ص) را عهده‌دار می‌شود، عبدالمطلب فرزند هاشم بن عبد مناف که بنی‌هاشم به وی منسوب است، نام او شیبه، کنیه‌اش ابوالحارث (حارث بزرگ‌ترین پسر او بود)، و مادرش سلمی بنت عمر از قبیله خزرج بود.

وی به خرد و فصاحت شهره بود و در میان اهل قریش احترام خاصی داشت، حضرت عبدالمطلب پرده‌داری کعبه و تهیه آب و آذوقه زائران کعبه را به عهده داشت و این وظیفه مقدس همچون میراثی گرانبها از پدر به آن حضرت رسیده بود. عبدالمطلب بخشی از کودکی خود را در قبیله مادرش در شهر مدینه سپری کرد و پس از آن توسط مطلب، عموی خود، بر اساس سفارش هاشم به مکه بازگردانده شد. هاشم در هنگام مرگش به مطلب گفته بود «پسرت، شیبه، را دریاب» و چون مطلب او را سرپرستی می‌کرد و مردم او را غلام مطلب می‌دانستند، عبدالمطلب نامیده شد.

یکی از نکات قابل توجه زندگانی رسول اکرم (ص) این است که ایشان بارها خود را با عنوان «انا ابن الذبیحین» معرفی کرده است که در کتاب‌های محدثین شیعه و اهل سنت مانند کتاب عیون الاخبار، خصال صدوق، تفسیر علی بن ابراهیم و تفسیر مفاتیح الغیب فخر رازی آمده است، درباره ذبیح اول عموماً بیان شده است که منظور حضرت اسماعیل (ع) و ذبیح دوم نیز منظور عبدالله پدر پیامبر (ص) است.

به بهانه سالروز وفات جد پیامبر اعظم (ص) به شرح ماجرای نذر ایشان در واقعه حفر چاه زمزم و چرایی اختصاص لقب ذبیح دوم به حضرت عبدالله (ع) اشاره می‌شود:

سال‌ها قبل از ریاست اجداد پیامبر (ص) در مکه دو قبیله به نام جرهم و خزاعه در آنجا حکومت داشتند، در درگیری که میان این دو قبیله اتفاق می‌افتد، شخصی به نام عمرو بن حارث که نتوانست در برابر خزاعه مقاومت کند، به منظور حفظ اموال کعبه از

دستبرد به درون خانه کعبه رفت و جواهرات و هدایای نفیس، همراه با دو آهوی طلایی و مقداری شمشیر و زره را به داخل چاه زمزم ریخت و چاه را با خاک پر کرد.

تا اینکه حکومت به دست اجداد رسول خدا(ص) رسید، آن‌ها از جای چاه زمزم و محل دفن هدایا اطلاعاتی نداشتند، در این میان عبدالمطلب پیوسته در فکر بود تا بتواند جای چاه را پیدا کند و این افتخار را نصیب خود کند تا اینکه روزی در کنار خانه کعبه خوابیده بود، در خواب دستور حفر چاه زمزم را به ایشان دادند و این خواب سه بار دیگر هم تکرار شد و از آنجا که مطمئن شد این یک الهام است، تصمیم به حفر نقطه مورد اشاره در خواب گرفت.

بنابراین با تنها پسرش حارث به کنار خانه خدا آمد و شروع به کندن چاه گرفت، البته در این اثنا قریش هم خواستار کمک به عبدالمطلب شدند و وی پیشنهاد آن‌ها را رد کرده و گفت: این مأموریتی است که تنها به من داده شده و من کسی را در آن شریک نمی‌کنم، هنگامی که در حفر چاه به هدایا، شمشیر و زره‌ها رسید، همه را برای ساختن درهای کعبه و تزئینات آن صرف کرد و زمانی که احساس کرد به چاه زمزم نزدیک می‌شود، نذر کرد اگر خداوند به وی ۱۰ پسر عنایت کند، یکی از آن‌ها را در راه خدا و در کنار خانه کعبه قربانی کند، خدای متعال هم حاجت عبدالمطلب را برآورده ساخت و بعد از چند سال دارای ۱۰ پسر شد که یکی از آن‌ها حارث و ۹ نفر بقیه به نام‌های حمزه، عبدالله، عباس، ابوطالب، زبیر، حجل، مقوم، ضرار و ابولهب شد.

حال زمان اجرای نذر فرا رسیده بود، عبدالمطلب همه فرزندان را جمع و ماجرا را برای آن‌ها تعریف کرد، ۱۰ پسرش موافقت خود را با تصمیم پدر ابراز داشتند، آن‌ها را به کنار خانه کعبه آورد و برای انتخاب یکی از ایشان قرعه شد که به نام عبدالله درآمد، دست عبدالله را گرفت تا نذر خویش را ادا کند که با واکنش مادر و برادران عبدالله به ویژه ابوطالب و دایی‌های عبدالله مواجه شد، در نهایت قرار بر این شد که میان عبدالله و شتران عبدالمطلب قرعه بزنند و هر گاه به اسم شتران درآمد، به جای عبدالله قربانی کنند، این کار چند بار انجام شد تا اینکه نهایت قرعه به ۱۰۰ شتر رسید، عبدالمطلب آن‌ها را قربانی کرد و میان مردم مکه تقسیم کرد.

این واقعه را نیز آیت‌الله جعفر سبحانی در کتاب فروغ ابدیت بدون دغدغه و خدشه و به صورت یک داستان مسلم و قطعی نقل کرده‌اند که در پاورقی، این نذر عبدالمطلب را نشانه عظمت و قاطعیت ایشان می‌دانند و می‌گویند: این داستان فقط از این جهت قابل تقدیر است که بزرگی روح و رسوخ عزم و اراده عبدالمطلب را مجسم می‌سازد و درست می‌رساند که تا چه اندازه این مرد پایبند به عقاید و پیمان خود بوده است.

*منابع:

۱- عیون الاخبار ص ۱۱۷۰، خصال صدوق ص ۵۶ و ۵۸، تفسیر قمی ص ۵۵۹

۲- مصادر گذشته و سیره ابن هشام ج ۱ ص ۱۵۵-۱۵۱.

منبع: فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۲۸۲۸/چراپیامبر-ص-خود-را-ذبح-کند-بنده-خود-ص-چراپیامبر>